



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پروانہ عاشق



مجموعہ ان از آیات، روایات، خواستہ ہا و منویات شہداء
بہ شمارہ ۳۲ داستان جناب و خواندنی

محمد جواد مہری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروانگان عاشق

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

مشرقین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	پروانگان عاشق
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۷	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: مقام شهداء در قرآن
۲۱	اشاره
۲۳	۱- «شهادت» و «شهید»
۲۴	۲- مقام شهید
۲۹	۳- جایگاه شهدا در آیات
۲۹	۴- آیه اول
۲۹	۵- شأن نزول:
۳۱	۶- سؤال:
۳۱	۷- جواب:
۳۳	۸- آیه دوم
۳۳	۹- تفسیر:
۳۵	۱۰- آیه سوم
۳۵	۱۱- تفسیر:
۳۷	۱۲- آیه چهارم
۳۸	۱۳- توضیح:
۳۸	۱۴- نکته ها:
۴۱	فصل دوم: مقام شهداء در روایات
۴۱	اشاره

۴۳	۱- کاروانی وارسته
۴۶	۲- جایگاه شهداء در احادیث
۵۳	فصل سوم: از شهداء می گویند!
۵۳	اشاره
۵۵	۱- شهید از منظر امام شهداء
۵۷	۲- شهید از منظر رهبر معظم انقلاب دام ظلّه
۵۹	۳- شهید در کلام شهداء
۶۱	۴- رسالت شهداء
۶۶	۵- پیام شهداء
۶۶	۱- شهید حسین اسماعیلی
۶۶	۲- شهید فضل الله محلاتی
۶۶	۳- شهید حمید باکری
۶۷	۴- شهید رمضان رضانی
۶۷	۵- شهید حمید اللهیاری
۶۸	۶- شهید حاج حسین خرازی
۶۸	۷- شهید کریم طاهری
۶۸	۸- شهید علیرضا موحد دانش
۶۹	۹- شهید کاظم کاظمی
۶۹	۱۰- حجت الاسلام ردانی پور
۶۹	۱۱- شهید ناصر کاظمی
۶۹	۱۲- شهید حاج همت
۷۰	۱۳- شهید حمیدرضا بیگیان
۷۱	فصل چهارم: حکایتهایی از شهداء
۷۱	اشاره
۷۳	۱- شهادت سرنوشت امامان است
۷۳	۲- شهادت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

- ۳- امام خمینی (رحمه الله عليه) پسر ، پدر شهید و رهبر شهداء ۷۵
- ۴- مقام حضرت عباس (علیه السلام) در بهشت ۷۷
- ۵- شهادت ۴۳ پیامبر در راه نهی از منکر ۷۹
- ۶- راضیم به رضای او ۸۰
- ۷- اطاعت از ولی امر ۸۰
- ۸- یادی از شهید شیخ فضل الله نوری (رحمه الله عليه) ۸۱
- ۹- خلبان شیر ۸۵
- ۱۰- صرفه جویی در موشک ۸۶
- ۱۱- شهادت عجیب آیت الله مدرس (رحمه الله عليه) ۸۷
- ۱۲- خواب پدر شهید ۹۰
- ۱۳- آرزوی شهادت ۹۲
- ۱۴- فرازی از وصیت یک شهید ۹۳
- ۱۵- خاطره ای از مادر یک شهید ۹۳
- ۱۶- الهام شهادت ۹۶
- ۱۷- شهید آیت الله سعیدی (رحمه الله عليه) ۹۶
- ۱۸- شهیده بنت الهدی ۹۷
- ۱۹- آیت الله خزعلی کنار جنازه فرزندش ۹۸
- ۲۰- سید شهیدان اهل قلم ۹۹
- ۲۱- شهید نواب صفوی (رحمه الله عليه) ۱۰۰
- ۲۲- نابغه عصر انقلاب خمینی (رحمه الله عليه) ۱۰۱
- ۲۳- شادی دشمن ۱۰۲
- ۲۴- امام حسین (علیه السلام) در انتظار شهداء ۱۰۳
- ۲۵- مسیح کردستان ۱۰۴
- ۲۶- آه سرد شهید محرم ۱۰۵
- ۲۷- شب آشتی با خدا ۱۰۶
- منابع و مأخذ ۱۰۹

پروانگان عاشق

مشخصات کتاب

پروانگان عاشق

مؤلف: محمدجواد مهري

ناشر: انتشارات مشرقين، 7-6616126

چاپخانه: دانش قم، 7-7229766

نوبت چاپ: اول، پاییز 1381

شمارگان: 3000 نسخه

شابک: 964-5781-46-9

قیمت: 1000 تومان

مراکز پخش:

قم، خ خاکفرج، کوچه 75، انتشارات مشرقين.

قم، ارم، 1- بوستان فرهنگي نینوا 2- بوستان فرهنگي قائم

قم، ارم، پاساژ قدس، بوستان فرهنگي نرگس

خيراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

پروانگان عاشق

محمد جواد مہری

ص: 4

فهرست مطالب

پیشگفتار... 9

فصل اول: مقام شهداء در قرآن

«شهادت» و «شهید» ... 15

مقام شهید... 16

جایگاه شهدا در آیات ... 21

آیه اول ... 21

شان نزول: ... 21

نکته ها: ... 22

سؤال: ... 23

جواب: ... 23

آیه دوم ... 25

تفسیر: ... 25

آیه سوم ... 27

ص: 5

تفسیر: ... 27

آیه چهارم ... 29

توضیح: ... 30

نکته ها: ... 30

فصل دوم: مقام شهداء در روایات

کاروانی وارسته ... 35

جایگاه شهداء در احادیث ... 38

فصل سوم: از شهداء میگویند!

شهید از منظر امام شهداء ... 47

شهید از منظر رهبر معظم انقلاب دام ظلّه ... 49

شهید در کلام شهداء ... 51

رسالت شهداء ... 53

پیام شهداء ... 58

فصل چهارم: حکایت هایی از شهداء

شهادت سرنوشت امامان است ... 65

ص: 6

شهادت از دیدگاه امام علی (علیه السلام) ... 65

امام خمینی پسر، پدر شهید و رهبر شهداء ... 67

مقام حضرت عباس (علیه السلام) در بهشت ... 69

شهادت 43 پیامبر در راه نهی از منکر ... 71

راضیم به رضای او ... 72

اطاعت از ولیّ امر ... 72

یادی از شهید شیخ فضل الله نوری ... 73

خلبان شیر ... 77

صرفه جویی در موشک ... 78

شهادت عجیب آیت الله مدرس ... 79

خواب پدر شهید ... 82

آرزوی شهادت ... 84

فرازی از وصیت یک شهید ... 85

خاطره‌های از مادر یک شهید ... 85

الهام شهادت ... 88

ص: 7

شهید آیت الله سعیدی ... 88

شهیده بنت الهدی ... 89

آیت الله خزعلی کنار جنازه فرزندش ... 90

سید شهیدان اهل قلم ... 91

شهید نواب صفوی ... 92

تابعه عصر انقلاب خمینی ... 93

شادی دشمن ... 94

امام حسین (علیه السلام) در انتظار شهداء ... 95

مسیح کردستان ... 96

آه سرد شهید محرم ... 97

شب آشتی با خدا ... 98

منابع و مأخذ ... 101

ص: 8

خدای را سپاس که به وسیلهٔ قلم آموخت آدمی را، آنچه نمی‌دانست و درود و تحیت بر بهترین آفریده اش - محمد و دودمان برگزیده اش، آن شاهدان خانهٔ گذران و شفیعان خانهٔ جاودان.

و بعد؛ شکی نیست که انسان تنها یک جنبهٔ بدنی و مادی نیست بلکه در او حقیقت دیگری است بنام روح که او را از سایر موجودات برتری داده و بنام اشرف مخلوقات در همهٔ عوالم وجود معرفی نموده است.

لکن اگر روح از فضائل معنویّه برخوردار باشد متنعم به لذائذ معنویست و اگر از رذائل اخلاقی برخوردار باشد معذب است در عذابخانهٔ الهی.

این پیدایش آدمی، تنها به اندازهٔ اجل معین، وقت ماندن در این دنیا را دارد و باز مجدداً روح پس از مرگ، به عالم معنا برمی‌گردد تا وقت حساب فرا رسد و جمیع نفوس در پیشگاه حضرت احدیت حاضر آیند ...

پس خوشا به حال آنکس که قبل از قطع علاقه روح از بدن، در طول زندگی خود، بهترین راه را برای جذب رضایت حق کسب کند و همواره سرمایه وجودی خود را، برای احیاء حق و حقیقت نثار جانان کند و در راه او و برای او از خود بگذرد و دست یابد به آن مقام که فرموده: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (1).

بنابراین موجودیت و حیات شهداء بستگی به جنبه ملکوتی و وجه الهی دارد باید حجاب ماده به کنار رود و ملکوت آشکار گردد تا آیه شریفه «يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ...» بر ما روشن گردد.

در اینجاست که نسیم قدسی از کلمات آن جمال معنوی، عارف کامل حضرت امام خمینی در باب شهید و شهادت، به دل های اهل بصیرت می وزد و آنها را کامیاب و بهره مند می کند؛ آنجا که فرموده: «... مقام شهادت خود، اوج بندگی و

ص: 10

سیر و سلوک در عالم معنویات است».

لذا باید دانست که شهداء برگردن همه ما حق دارند چون اگر ایثارگری ها، اقدامات و حضور این ها در صحنه نبود الان اثری از اسلام دیده نمی شد، پس باید قدردان شهدا باشیم و قدردانی ما از شهداء البته باید در ابعاد مختلفی بروز و ظهور پیدا کند که یکی از ابعاد کوچکش همین است که ما این ها را فراموش نکنیم و آثار و زندگی نامه و وصیت نامه های آن ها، خصوصیات روحی و اخلاقی آن ها همیشه در بین مردم زنده نگه داریم.

بدین جهت مجموعه ای از آیات، روایات، حکایات، منویات و خواسته های این راست قامتان و قلّه نشینان سرافراز تاریخ گردآوری نموده و به آنان که شهادت را دوست داشته و شهیدان را می ستایند تقدیم می گردد.

در پایان از آفریدگار متعال تمنا داریم که ما را بر راه شهداء مستدام بدارد و سرانجام این پر ارزش ترین لحظه را نیز نصیب ما بفرماید
إِنَّ شَالِلَهُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ بِمَنِّكَ وَكَرَمِكَ.

محمد جواد مهری 1380 / 6 / 23

ص: 11

1- «شهادت» و «شهید»

در قرآن 35 مرتبه کلمه «شهید» بکار رفته است و 20 مرتبه کلمه «شهداء»، استعمال شده است و هیچ کدام درباره کشته شدگان در راه حق اطلاق نشده است؛ اما این یاد نشدن به اسم مقتول در راه حق، در قرآن، از جلالت و عظمت مقام منیع شهید نمی‌کاهد، بلکه خداوند متعال در آیات متعدد با تعبیرهای گوناگون از علو رفعت و منزلت شهید یاد فرموده است و در اخبار و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) رسیده که صراحتاً مقتولین در راه حق را شهید یاد کرده اند.

برای آنکه کشته شده در راه حق، شهید نامیده می‌شود، شش احتمال ذکر می‌کنند:

1- لِأَنَّ مَلَائِكَةَ الرَّحْمَةِ تَشْهَدُهُ.

چون ملائکه رحمت شاهد او هستند.

2- أَوْ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَ مَلَائِكَتَهُ شُهِدُوا لَهُ بِالْجَنَّةِ.

یا بدان جهت که خداوند و ملائکه شاهد بهشت رفتن او هستند.

ص: 15

3- أَوْ لِأَنَّهُ مِمَّنْ يُسْتَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الْأَمَمِ الْحَالِيَةِ.

یا بدان جهت که روز قیامت از او بر ملت های گذشته استشهاد می جویند.

4- أَوْ لِسُقُوطِهِ عَلَى الشَّاهِدَةِ أَيْ الْأَرْضِ.

یا بدان جهت که بر شاهده یعنی بر زمین سقوط کرد.

5- أَوْ لِأَنَّهُ يُسْتَشْهَدُ مَلَكَوَتِ اللَّهِ وَمُلْكِهِ.

یا بدان جهت که او بر ملکوت و ملک خداوند شاهد است. (1)

6- أَوْ لِأَنَّهُ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ حَاضِرٌ.

یا بدان جهت که او زنده است به نزد پروردگار حاضر می باشد.

2- مقام شهید

قلم عاجز است در وصف شهیدان مطلب نگارد و بیان

ص: 16

1- . القاموس المحيط، ج 1، ص 305.

قاصر است از عظمت شأن آنان سخن بگوید.

چه بگوئیم و چه بنویسیم، ما را چه رسد به درک مقام و بیان ارزش شهید ... وقتی که حضرت امام سید روح الله، در وصف شهیدان بنویسند که:

اینان ره صد ساله را یک شبه پیمودند و ما هنوز اندر خم یک کوچه هم نیستیم، ما چه بنویسیم.

اصلاً بشر عادی چگونه می تواند، به عنایات حضرت حق پی برد و چگونه می تواند بفهمد معنای این سخن که شهید نظر می کند به وجه الله چیست؟

شهید آن عاشق بی تابی است که در عشق معبود، پروانه وار می سوزد و فناء فی الله و در نتیجه، بقاء همیشگی پیدا می کند و به معشوق حقیقی خود می پیوندد.

شهید انسان آزاده و دورنگر قهرمانی است که دنیا و مافیها را وقع و ارجی ننهاد و بی چون و چرا از آن می گذرد و به حق و حقیقت متصل می گردد.

شهید آن طائر بلند پرواز قدسی است که فضا و عرصه گیتی را برای پرواز خود ناچیز و کوچک می بیند و از این رو

ص: 17

پر می‌گشاید و به سوی باغات بهشتی و منازل عالیه جهان ابدی پرواز می‌کند.

شهید با آن اوج و پروازی که می‌گیرد، خود را در کنار انبیاء، اوصیاء و علماء قرار می‌دهد و از امتیازات آنها استفاده می‌کند که شفاعت از جمله آنهاست.

راستی چه لذتی بهتر از این است که انسان در کنار پیامبر خدا باشد و با ائمه طاهرین (علیهم السلام) محشور گردد؟!!

و چه لذتی والاتر از این است که انسان در مسیر اطاعت خداوندی گام بردارد و برای او، خود را از تمامی قیدها و بندها رها سازد و از تمامی علائق بگسلد و زنجیرهای وابستگی را پاره کرده، دل‌بستگی به مظاهر زندگی را از بین ببرد و جان شیرینش را در کف گرفته، در طبق اخلاص قرار دهد و تقدیم خداوند عزوجل کند و خداوند بپذیرد؟!!

شهید، با شهادتش، پیام خود را در فراراه اعصار قرار می‌دهد و خون خود را همچون سلاحی، بر فرق دشمن فرو می‌کوبد، او را رسوا و مردم را آگاه می‌سازد.

شهید انسانی است که در عصر نتوانستن و غلبه نیافتن، بر

مرگ خویش بر دشمن پیروز می شود و اگر دشمن را نمی شکنند، رسوا می کنند.

شهید همچون قلبی، به اندام های خشک مرده و بی رمق جامعه، خون خویش را می رساند و بزرگترین معجزه شهادتش این است که به یک نسل، ایمان جدید به خویشتن را می بخشد.

استاد علامه شهید مطهری؛ در بیانی شیوا می فرماید:

شهید شمع تاریخ است، می سوزد و روشنائی می بخشد و با سوزش خویش جهان را به خیزش وا می دارد... لذا می بینید که تاریخ اسلام و تشیع، تاریخ تداوم حماسه شهادت است، تاریخ شیعه را در دربارها ننوشته اند، بلکه با بازوان وضو گرفته غرقه در خون، در مقتل شهداء نگاشته اند.

آری صدها سال بود که ما با ذلت و زبونی نفس می زدیم و مظهر تمکین و خواری شده بودیم، ناگاه در ظلمت جهل و اختناق، بارقه ای از خشم رادمردی پولادین، اراده درخشیدن گرفت و صاعقه ای در کویر سکوت و استضعاف ما بر سر مستکبران فرود آمد و به شهادت مفهوم ویژه ای داد.

ص: 19

در فرهنگ اسلام و به خصوص تشیع، عزیزترین و گرانبهاترین حرکت و با ارزش ترین گوهر و میراث، شهادت است. ارزش انسان در اسلام با چگونه مردن او تعیین و سنجیده می گردد، نه چگونه ماندن او.

اکنون شهیدان رسالتشان را در این زندگی دنیوی، به پایان برده اند و هر کدامشان نقش خویش را در براندازی ظلم و ستم، ریشه کن سازی فساد، خوب بازی کرده اند، پیر و جوان، بزرگ و کوچک، زن و مرد، هر کدام به نمایندگی و به عنوان نمونه، درسی به همه آنها که احساس انسانیت در وجودشان موج می زد، دادند.

مردنی به این زیبایی و با این همه حیات را، انتخاب کرده اند. این شهیدان ایثارگر، در این برهه از زمان در برابر دشمن ایستادند تا به همه مردان و زنان و جوانان همیشه در تاریخ بیاموزند که: باید چگونه زندگی کنند.

بس کنیم و اعتراف به عجز نموده و اشاره ای داشته باشیم به آیات شریفه قرآن که در این باب رسیده و گوشه هایی از این پرده را بالا زده است:

ص: 20

3- جایگاه شهدا در آیات

4- آیه اول

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ. (1)

و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده مگوئید بلکه آنها زندگانند، ولی شما نمی فهمید.

5- شأن نزول:

در جنگ بدر چهارده نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند شش نفر آنها از مهاجران و هشت نفر آنها از انصار بودند برخی از مردم می گفتند: فلانی مُرد و ... این آیه نازل شد و آنان را از این تفکر نهی کرد. (2)

آنان که در راه خدا و در دفاع از دین خدا به فرمان ولیّ خدا در میدان های نبرد کشته می شوند به آنان مرده مگوئید

ص: 21

1- .سوره بقره/ 154.

2- . تفسیر مجمع البیان، ج 2، ذیل آیه.

بلکه آنها زنده و باقی هستند و یک زندگانی واقعی برزخی دارند.

زندگی ای که در آن رزق و شادی و بشارت است و زندگی در جوار رحمت خداست و در آن حزن و ترس وجود ندارد.

مستفاد از این آیه شریفه و روایات مفسره آنستکه ارواح شهداء و اهل ایمان باقی هستند به بقای الهی و متنعم به نعم نامتناهی. (1)

نکته‌ها:

1- ایمان به زنده بودن شهید، قوی ترین عامل عشق به شهادت است.

2- روح بعد از مرگ باقی است، هرچند جسم و بدن متلاشی شود.

3- همانگونه که کور، بینا را درک نمی کند و جاهل

ص: 22

1- . تفسیر روان جاوید، ج 1 ، ص 197.

ابوعلی سینا را در نمی یابد، زنده ها حیات شهداء را درک نمی کنند. (1)

6- سؤال:

اگر کسی بگوید ما می بینیم که اجساد شهداء روی زمین افتاده و در آن آثاری از حیات ابداً دیده نمی شود با این وصف چگونه گفته شده است که شهداء پس از مرگ زنده هستند؟

7- جواب:

این است که طبق مذهب علماء امامیه خداوند برای ارواح آنها پس از مرگ «قالب هائی» مانند قالب دنیوی قرار می دهد که با آن «درعالم برزخ متنعم هستند، هرچند بدن دنیوی آنها در زیر خاک مدفون شده باشد».

بنابراین قول، ثواب و عذاب در آن عالم به انسان می رسد، زیرا انسانیت «انسان» وابسته به روح است نه به جثه ای که در

ص: 23

1- . تفسیر نور، ج 1، ص 308.

زیر خاک مدفون است.

مؤید این قول روایتی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب به سند خود از علی بن مهزیار از قاسم بن محمد از حسین بن احمد از یونس بن ظبیان نقل کرده است که او می گوید؛ من در حضور حضرت صادق (علیه السلام) نشسته بودم آنحضرت رو به من کرد و فرمود:

مردم درباره ارواح مؤمنین چه می گویند؟ عرض کردم می گویند خداوند آن ها را در پیکر پرندگان سبز رنگ در قندیل هائی در زیر عرش قرار می دهد.

حضرتش فرمودند: سبحان الله! این چه قولی است؟ مؤمن در نزد خدا عزیزتر از آن است که او را در پیکر پرنده ای قرار بدهد. ای یونس!

هنگامی که خداوند مؤمن را قبض روح می کند روح او را در قالبی مانند همان قالب که در دنیا داشت جا می دهد.

ارواح مؤمنین در قالب های برزخی خود متنعم هستند می خورند و می آشامند و موقعی که یکی از مؤمنین از دنیا رفت و به جمع آنان ملحق گردید آنها او را با همان قیافه که در

ص: 24

8- آیه دوم

وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. (2)

و آن کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود یا پیروز گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

9- تفسیر:

خداوند با این کلام خود، بیان کرد که امرِ رزمنده در راه خدا، منتهی به یکی از دو سرانجام محمود و پسندیده می شود، یا منتهی به این می شود که در راه خدا کشته شود و یا اینکه بر دشمن خدا غلبه پیدا کند و او به هر حال اجری عظیم خواهند داشت.

و اگر شق سوم سرنوشت جنگ که عبارت از فرار کردن

ص: 25

1- . تفسیر مجمع البیان ، ج 2 ، ص 123.

2- . سوره نساء/ 74.

ذکر نکرد، برای این بود که اشاره کند به اینکه رزمنده در راه خدا، فرار نمی کند و اگر در میان دو سرنوشت محتمل، اول سرنوشت کشته شدن را نام برد و بعداً سرنوشت غلبه را، برای این بود که ثواب کشته شدن بیشتر و پایدارتر است... (1).

جهاد در راه خدا، کار هرکس نیست کار کسانی است که در راه خدا از جان گذشته و دنیا را داده و آخرت را در عوض گرفته اند و شخص مجاهد که به چنین مقامی فائز شده، بمال و جاه و دنیا اعتنا ندارد و فوز عظیم نمی داند، جز اجر عظیم را که خداوند به مجاهدین وعده فرموده، چه به شهادت برسند، چه نرسند و ترک جهاد را نعمت نمی پندارند، چنانچه منافقین پنداشتند؛ بلکه نصب العین همت آن فقط دو چیز است که یا کشته شود و به فیض شهادت نائل گردد یا غالب شود و موفق به نصرت دین و اعلاء کلمه حق شده باشد، نهایت آنکه اولاً وبالذات منظورش ترویج دین است، ثانیاً و

ص: 26

1- . تفسیر المیزان، ج 4، ص 671.

بالعرض شهادت و نیل به جنت... (1).

10- آیه سوم

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ... (2)

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آن ها که در راه خدا جهاد می کنند، دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در سه دفتر آسمانی تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده ...

11- تفسیر:

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا، با جان و مال خود جهاد می کنند وعده قطعی بهشت می دهد و می

ص: 27

1- . تفسیر روان جاوید، ج 2، ص 82.

2- سوره توبه/ 111.

فرماید که این وعده در تورات و انجیل هم داده، همانطور که در قرآن می دهد.

خداوند این وعده را در قالب تمثیل بیان نموده و آن را به خرید و فروش تشبیه کرده است یعنی خود را خریدار و مؤمنین را فروشنده و جان و مال ایشان را کالای مورد معامله و بهشت را قیمت و بهاء؛ و تورات و انجیل و قرآن را، سند آن خواننده است و چه تمثیل لطیفی بکار برده است.

و در آخر مؤمنین را به این معامله بشارت داده و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است. (1)

«فَأَسْبَغْتُ» از این داد و ستد شادمان باشید که کالایی فناپذیر را به بهایی جاودان فروختید و زایل شونده ای را دادید و بی زوالی را گرفتید. این است پیروزی بزرگ و هیچ عبارتی برای تشویق به جهاد، نیکوتر و رساتر از این نیست. (2)

ص: 28

1- . تفسیرالمیزان، ج 9، ص 538 .

2- . تفسیر جوامع الجامع، ج 3، ص 22.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ... يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ
وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ. (1)

ای پیامبر هرگز گمان مبر، آن ها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند، بلکه آن ها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. آن ها بخاطر نعمت های فراوانی که خداوند از فضل خود به آن ها بخشیده است خوشحالند و ... نیز از نعمت خدا و فضل او نسبت به خودشان خوشحال و مسرور می شوند و می بینند که خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند، نه پاداش شهیدان و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشوند.

ص: 29

13- توضیح:

سبحان الله! این چه اسراری است که بر زندانیان عالم طبیعت آشکار نمی گردد و چه رمزبست که راز آن برگور خزیدگان عالم طبع فاش نمی شود.

شهداء والامقام که خداوند تعالی این چنین بر مقام آنان صحّه می گذارد زنده اند و زندگی را در مرحله دوم حیات آغاز کرده اند؛ لیکن شعور مادی، قدرت فهم آن را ندارد که بدانند زنده بودن شهید یعنی چه؟!

شهید که از لحظه شهادت، بفرموده اساطیر علم و معرفت، در مظاهر جمال حضرت حق قرار می گیرد؛ در حقیقت به «وَجْهَ الله» دست یافته است که متعلّق به حقایق باطنیه و عالم شهود است.

14- نکته ها:

1- شهادت باختن و از دست دادن نیست، بلکه یافتن و به دست آوردن است.

2- کشته شدن آنگاه ارزشمند است که در راه خدا باشد، ابوسفیان در پایان جنگ اُحد با صدای بلند فریاد می کرد: که

ص: 30

این هفتاد کشته مسلمانان در اُحد، به عوض هفتاد کشته ما در جنگ بدر، ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: کشته‌های ما در بهشت جای دارند، ولی کشتگان شما در دوزخند.

3- «لَا تَحْسَبَنَّ» اشاره به این است که تصور نابودی و یا خسارت برای شهید، تفکر انحرافی است.

4- روح باقی است، شهادت پایان زندگی نیست، آغاز حیات است بسیاری از زندگان مرده‌اند و بسیار کشته‌هایی که زنده‌اند. (1)

5- «فَرِحِينَ بِمَا...» شهداء از اینکه توفیق شهادت در راه خدا و کرامت و وسیله سعادت نصیبشان شده است، خوشحال و مسرورند. (2)

ص: 31

1- . تفسیر نور ، ذیل آیات شریفه ، ج 2 ، ص 225 و 229.

2- . تفسیر جوامع الجامع ، ج 3 ، ص 519.

1- کاروانی وارسته

در دشت های وسیع قلمرو زیست انسانها، که گذرگاه دیار عاشقانش نامیده اند، کاروانی وارسته از آلودگی های خاک نشینان خاک آلود، برای دفاع از ارزش های والای انسانی در حرکت است، نوری فروزان از خورشید بامدادی در چشمانشان، مهتابی زیبا از ماده شبانگاهی در پیشانی هایشان، امواجی از شعله های عشق الهی در دلهایشان، می روند و می روند و باز نمی ایستند. اینان کیستند؟ و رهسپار کدامین مقصدند که با حرکتی پرشتاب تر از حرکت نور، فراسوی زمان و مکان و سبک بال تر از ارواح مجرد کمال یافتگان، گام در روی زمین برمی دارند و دلهایشان پر و بال زنان، قلّه های مرتفع هستی را یکی پس از دیگری زیر پا می گذارند؟

کیستند این اشباح نورانی که فروغ لایزال عالم ملکوت را در ظلمتکده زمین برافروخته اند و بی آنکه لحظه ای پشت سر خود را بنگرند، همچنان پیش می تازند.

ص: 35

اگر تمامی اوراق فرهنگ انسانی را ورق بزنید، هیچ واژه ای برای معرفی این عزیزان و این فرزندان ابراهیم خلیل و پروردگانِ دستِ پر برکت آن دو انسان کامل محمد و علی، شایسته تر از واژه عاشقان حق و تلاشگران حمایت از هدف های متعالی پیامبران نخواهی یافت که برای ترسیم نقش عشق الهی در برهه ای از تاریخ براه افتاده اند. اینان شیدای شهادت و عاشقان خط سرخ حسین اند.

اینان قافله ای پرشکوه و جلال، از انسان های رشد یافته اند که از دام های فریبی من و ما، رها گشته و مکرپردازی ها و حيله گری های نابخردانه دون صفتان را که برای ادامه چند روز از زندگی حیوانی خود به راه می اندازند زیر پا نهاده، عقل مکار و اندیشه های خود محورانه را که سالیان سال، آدمی را تباه ساخته و به باد فنا می دهد کنار گذاشته و از آن خوی حیوانی که همواره خویشتن را هدف و دیگران را وسیله می پندارد، گذشته و با خرد حقیقی انسان الهی که جلوه ای از جمال و جلال خداوندیست، بر رواق عشق هستی آفرین می تازند.

ص: 36

اگر از این کاروان بی قرار بپرسید که شما در کتاب بزرگ وجود، چه خواندید که در حد اعلای آگاهی و با کمال آزادی دست از حیات سُستید و همانند ابراهیم خلیل، پروانه وار خود را بر امواج زبانه‌های آتش سوزان می‌زنید و سپس با چهره‌ای خندان از برداً و سلاماً سر برمی‌آورید؟

اینان پاسخی بس روشن برای شما خواهند گفت، این پاسخ سخنی از سروش غیبی است که به گوششان خوانده شده است:

حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو

دیوانه شو

و اندر دل آتش درآ، پروانه شو

پروانه شو

هم خویش را بیگانه کن هم خانه

راویرانه کن

وانگه بیا با عاشقان همخانه شو

همخانه شو

بر باد فنا تا ندهی گرد خودی را

هرگز نتوان دید جمال احدی را

جان ها فلکی گردد اگر این تن خاکی

از خود بزداید صفت دیو و ددی را

از آنان بپرسید که شما از کدامین دیارید و روبه کدامین

ص: 37

مقصد روانه گشته اید که چنین پای کوبان و دست افشان، این کیهان بزرگ را به حیرت انداخته اید، خنده از لبان و انبساط و شور و هیجان از ارواح تان قطع نمی گردد؟ آنان پاسخ شما را چنین خواهند گفت که: ما از دیار آشنای «إِنَّا لِلَّهِ» حرکت کرده و به مقصد نهائی «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» رهسپار گشته ایم.

2- جایگاه شهداء در احادیث

اینک به پاره ای از کلام معصومین پیرامون مقام و منزلت و فضائل شهداء اشاره ای می کنیم که عبارتند از:

1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: شهید از طرف خدا دارای هفت خصلت است:

- همواره با ریختن اولین قطره خونش گناهانش آمرزیده می شود.

- سرش در دامن دو حوریّه قرار می گیرد، حوریّه ها غبار از چهره اش زدوده و به او آفرین می گویند، او نیز در پاسخ آنها مرحبا می گوید.

- از لباس های بهشتی به او می پوشانند.

- خازنان بهشت با بوی خوش بسوی او شتافته و او را

بطرف خود می کشانند.

- جایگاهش را به او نشان می دهند.

- به روحش خطاب می شود؛ هرکجای بهشت می خواهی برو.

- به وجه الله نظر می کند و نظر کردن به وجه الله برای هر پیامبر و شهیدی مایه آرامش است. (1)

2. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هیچ قطره ای پیش خداوند محبوب تر نیست از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود. (2)

3. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: فوق هر نیکوکاری نیکی ای است. تا وقتی که انسان در راه خدا کشته شود که دیگر بالاتر از کشته شدن در راه خدا چیزی نیست. (3)

4. امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که در راه خدا کشته شود

ص: 39

1- . وسائل الشیعه ، ج 11 ، ص 10 .

2- . همان ، ص 8 .

3- . بحار الانوار ، ج 74 ، ص 61 .

خداوند هیچ یک از گناهانش را به او نشان نخواهد داد (همه گناهانش آمرزیده می شود). (1)

5. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: خداوند می گوید من جانشین شهید در خانواده اویم و هرکس آنها را راضی کند مرا راضی کرده است و هرکس آنها را بیازارد مرا آزرده است... (2)

6. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هیچ قطره ای در نزد خدا، دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا یا قطره ای از اشک های چشم که در سیاهی شب از ترس خدا ریخته می شود نیست. (3)

7. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: هنگامی که شهید بر اثر ضربت به زمین رسد، حورالعین به او می گوید: آفرین به آن

ص: 40

1- . فروع کافی، ج 5، ص 54.

2- . بحار الانوار، ج 100، ص 13.

3- . همان، ص 14.

روح پاکی که از بدنی پاک خارج شد، من تو را بشارت می دهم، پس به درستی که از برای توست، آنچه که نه چشمی آن را دیده، نه گوشی شنیده و نه به قلب کسی خطور کرده است. [\(1\)](#)

8. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: در راه خدا جهاد کن، پس اگر کشته شوی، زنده خواهی بود و در نزد خدا روزی خواهی خورد. [\(2\)](#)

9. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: اول کسی که وارد بهشت می شود، شهید است و... [\(3\)](#)

10. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: هیچ کس داخل بهشت نمی گردد که آرزوی خارج شدن از آن را نماید، مگر شهید، پس

ص: 41

1- . همان ، ص 13؛ صحیفه الرضا، ص 117.

2- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 242؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 206.

3- . بحار الانوار ، ج 100، ص 11.

همانا او آرزو می کند که به دنیا برگردد و ده بار کشته شود به خاطر آنچه که از کرامت خداوندی می بیند. (1)

11. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: سه دسته اند که نزد خداوند از مردم شفاعت می کنند، پس خداوند، شفاعت آنها را می پذیرد؛ پیامبران - علماء - شهداء. (2)

12. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: ... و شهید هفتاد هزار نفر از اهل بیت (خانواده) و همسایگانش را شفاعت می کند تا آنکه همسایگان به نزاع و دعوا می افتند در اینکه کدام یک به او نزدیک تر بوده اند تا از فیض شفاعت شهید بهره مند گردند. (3)

13. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: وقتی که شهید به سبب زخم

ص: 42

1- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 243؛ تفسیر نور، ج 2، ص 227.

2- . مجمع الاحادیث، ج 4، ص 145؛ تفسیر نمونه، ج 25، ص 258.

3- . همان، ص 144.

و جراحی نیزه و یا به واسطه ضربتی از اسبش بیفتد، هنوز زمین نمی رسد که خداوند زوجه او را از حورالعین نزد او می فرستد، پس او را به آنچه که خداوند از کرامت و بزرگی خویش آماده کرده است، بشارت می دهد. (1)

14. به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) گفته شد: چه شده است که از شهید در قبرش سؤال نمی شود؟ فرمود: شمشیری که بالای سر اوست، او را از امتحان بی نیاز می کند. (2)

15. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «... پس شهدا با من و با ابراهیم بر مائده خلد می نشینند و در هر صبح و شامی نظر به خدا می افکنند». (3)

ص: 43

-
- 1- بحارالانوار، ج 100، ص 13.
 - 2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 6؛ فروع کافی، ج 1، ص 342.
 - 3- مستدرک الوسائل ج 2 ص 243. برخی گویند مراد از مائده خلد، مائده ای است که همیشگی است یا مائده بهشتی که ابدی است.

16. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: قسم به آن کسی که جانم بهدست اوست، اگر پیامبران بر سر راهشان شهداء باشند از جای خویش به احترام آنها، به خاطر آنچه که از عظمتشان می بینند بر می خیزند تا که بر مانده هائی از گوهر می آیند و بر آن می نشینند. (1)

17. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) مردی را دید که چنین دعا می کرد: «بار خدایا، من از تو درخواست بهترین چیزهائی که از تو درخواست می شود می کنم، پس بهترین چیزی را که می دهی به من عطا کن». پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: اگر دعایت مستجاب گردد، خونت در راه خدا ریخته خواهد شد. (2)

یعنی شهادت در راه خدا بهترین درخواست و عطیّه الهی است.

ص: 44

1- . صحیفه الرضا، ص 116.

2- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 243.

فصل سوم: از شهداء می گویند!

اشاره

ص: 45

1- شهید از منظر امام شهداء

* شهید از منظر امام شهداء (1)

1- ما بر درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بیمائیم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آینده گان، آن را جستجو نمائیم.

2- مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خداوند می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتداء خواهند نمود و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.

خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند. خوشا به حال آنان که در این قافله نور، جان و سر باختند. خوشا به

ص: 47

1- . گزیده هایی از بیانات حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) .

حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند.

4- خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن، خداوندا! کشور ما و ملت ما، هنوز در آغاز راه مبارزه اند؛ و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.

5- خوشا به حال شما ملت، خوشا به حال شما زنان و مردان، خوشا به حال جانبازان و اسراء و مفقودین و خانواده های معظم شهداء ...

6- وقت آن است ما که وارثان این خون ها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم، از پای نشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم.

7- سلام بر آنان که حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است.

8- سلام بر شهداء و بدن های مطهرشان که همدمی جز نسیم صحرا و پناهی جز مادرشان فاطمه زهرا ندارند.

ص: 48

9- شهادت فوز عظیم است و شهداء نور انقلاب ما هستند.

10- شهادت در راه خداوند، زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت هاست.

11- شهادت یک هدیه ای است از جانب خدای تبارک و تعادلی برای آن کسانی که لایق هستند.

2- شهید از منظر رهبر معظم انقلاب دام ظلّه

* شهید از منظر رهبر معظم انقلاب دام ظلّه (1)

1. بهترین مردن ها، شهادت است. بالاترین اجراها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است، خوشا به حال آن عزیزان، گوارا باد! بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی و میهمان شدن بر سر سفره ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی با

ص: 49

1- . گزیده های از بیانات حضرت امام خامنه ای (دام ظلّه).

عظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیایت، تو را به حق صاحب الزّمان ارواحنا فداه، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده.

2. برای کسانی که اهل ارزش های اسلامی هستند تصاویر شهداء از هر تصویری دل رباتر است.

3. شهدای ما مثل ستارگانی در تاریخ می درخشند.

4. مفهوم شهادت یک مفهوم زنده، امیدبخش و لازمه تفکر اسلامی است.

5. رحمت خداوند بر این مجاهدان عظیم الشان که شهادتشان، پیروزی اسلام را بیمه کرد.

6. این گل های پرپر شده بوستان عطرآگین انقلاب اسلامی حقی بزرگ بر گردن ما و همه مسئولان کشور دارند، امروز اگرچه آنان در میان ما نیستند، اما خون مطهرشان، راهنمای ماست.

تا ظلم در جهان هست، مبارزه هم هست تا مبارزه هست، خط سرخ شهادت، الهام بخش رهروان مکتب

ص: 50

جهاد، مقاومت و شهادت است.

8. فداکاری شهیدان و گذشت خانواده ها بود و حضور رزمندگان بود که ابرهای تیره آن روزگار دشوار را از افق زندگی این ملت زدود.

9. این نظام به برکت خون شهداء و مبارزات رزمندگان در جهان شناخته شده است.

3- شهید در کلام شهداء

1- شهید مطهری: گریه کردن برای شهید، شرکت در حماسه اوست.

2- شهید آوینی: در ملکوت اعلی، جز شهید کسی زنده نیست و حیات دیگران، اگر هم باشد به طفیل شهادت و با شفاعت آنها.

شهید مهدی باکری: (1) امروز در این مملکت، جزء خانواده شهداء شدن، جزء افتخارات است و این نوع

ص: 51

1- . شهردار کوخ نشین و فرمانده لشکر عاشورا.

زندگی از با فضیلت ترین زندگی هاست.

4- شهید زین الدین: (1) دنیا از اسلام می ترسد، فقط بخاطر همین یک کلمه واژه شهادت است.

5- شهید سیدرضا دستواره: مسأله شهادت و شهید از یک ارزش والایی و اعتبار بسیار با عظمتی برخوردار است که با حقارت و کوچکی که داریم نمی توانیم در این رابطه حرفی داشته باشیم.

6- شهید عباس امیری (2): زبان قاصر است از گفتن، تاریخ عاجز است از نوشتن و ثبت آن، چرا که این همه ایثار شما بسیجی ها در هیچ کجای دنیا تکرار نشده است.

7- شهید مصطفی رحیمی: بزرگترین رفیق خداست بزرگترین کلمات این عالم شهید است، مهربان ترین پدر عالم خمینی است، گیرا ترین رنگ ها، رنگ

ص: 52

1- فرمانده لشکر 17 علی ابن ابیطالب (علیه السلام) .

2- فرمانده لشکر 27 محمّد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) .

سرخ است. برازنده‌ترین لباس‌ها، پیراهن بسیج است.

4- رسالت شهداء

رسالت ما نجات دادن ارزش‌های والای انسانیت از چنگال خونبار درندگان انسان‌هاست، آن ارزش‌های والائی که از مدت‌های طولانی مورد تحقیر و اهانت انسان‌شناس‌های ضد انسان قرار گرفته.

رسالت ما دفاع از صدق و اخلاق و صمیمیت در حیات است که مبتلایان به بیماری مهلک خودخواهی، آنها را چنان زیر پا گذاشته‌اند که گویی آن نابخردان با جوهر جمال و جلال شکوهمند انسانی خصومت دیرینه و آشتی‌ناپذیر دارند و آنان متعهد شده‌اند که این فروغ انسانیت را خاموش نمایند. آری «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (1).

اینان ابله‌تر از آنند که بفهمند ما پروانه‌های شمع فروزان

ص: 53

ملکوت ربّانی چه می‌خواهیم و چه می‌گوئیم. اینان نادان‌تر از آنند درک کنند که ما در حیات ابدی چه دیده‌ایم که شب و روز برای ورود به آن دیار الهی، چنین تلاش و تکاپو افتاده‌ایم.

نابینا‌تر از آنند که درخشش انوار ربّانی را در تاریکی‌های شب بر سنگ‌های ما ببینند.

آن بردگان هوی و هوس اربابانِ قدرت، هرگز نخواهند فهمید که ما آن کشتی‌نشینان اقیانوس حیات طیبّه هستیم که با راهنمایی قطب‌نمای وجدان خدا بین، هر لحظه در سنگر شهادت ساحل آرامش بخشِ نفس مطمئنّه را که لقاء الله است می‌بینیم.

ما جویندگان حق و حقیقت و ما پویندگان راه عزت و شرافت انسانی از هنگام اطلاع بر داستان هابیل و قابیل به راه افتادیم، نه از مدتی کوتاه که بردگان نشسته در سریر قدرت دروغین، به میهن مقدس اسلامی ما تجاوز نموده‌اند.

ما کاروانیان تلاش‌گر که در مسیر «کلمة الله هی العلیا» همچنان به پیش می‌تازیم، از پشت آدم ابوالبشر (علیه السلام) بوی

کمال برین را دریافته و ما را به حرکت دائمی و جدی که سکونی به دنبال نخواهد داشت درآورده است.

از گِل آدم شنیدم بوی تو***راه ها پیموده ام تا کوی تو

ای رهروان میسر حیات، اگر روزی گذرتان، بر این دست و هامون، که بوی عشق در فضایش پیچیده است افتاد، لحظاتی چند در این وادی توقف کنید و لختی بیندیشید و گوش دل را باز کنید. تا نغمه‌های الله اکبر عاشقان حق و طنین لبیک‌های خداوند فیاض و هستی بخش را بشنوید.

افق پهناور این دیار است که راز نهانی حیات و موت را با امواج نیایش‌های بامدادی و مناجات‌های شبان‌گاهی فرزندان نازنین خلیفه‌الله به عالم علیین روانه می‌ساخت. هم اینجاست که خداوند بی چون دل‌های عشاق وفادارش را با تجلی دادن جمال و جلالش نوازش‌ها نموده و آنان را شایسته خطاب قرار داده است.

ای انسان هائی که بعد از ناپدید شدن ما پروانگان شمع حق و حقیقت از افق جهان طبیعت، قدم به عرصه آرامگاه ما گذاشته، جویای پیام و مقصود ما از شناختن به آغوش پر

ص: 55

حشمت و جلال شهادت خواهید گشت، بدانید که ما حق تغییر تکاپوی حیاتی خود را که به شهادت ختم نمودیم به هیچ کس واگذار نکرده ایم، تفسیر تاختن ما را به قربانگاه عشق، از زبان خود ما بشنوید:

ما انسانهایی بودیم که بدون اکراه و اجبار و با کمال آگاهی و آزادی و با احساس تعهد برین، نه احساسات خام، به میعاد عشق الهی تاختیم، ما نتوانستیم در زیر آفتابی زندگی کنیم که دشمنان هوشیار و آگاه انسانها، روی آنرا تیره و تاره ساخته اند.

ما از تماشای ستارگان زیبای سپهر لاجوردین که زرپرستان و شرپرستان زورگو و مدعیان تمدن و تکامل آنها مانند مسیح‌های طلائی، بر چشمان مستضعفان جامع بشری فرو می بردند سیر گشته بودیم ما از نفس کشیدن در روی این کره خاکی که یک عده دیوانگان قدرت پرست، بینوایان محروم از قدرت را از پای در می آورند و سپس پیاله های خود را بهم می زدند که ما قهرمانان! بر انسان ها پیروز شدیم، بیزار گشتیم. با صراحت لهجه کامل می گوئیم:

ص: 56

ما با کمال اختیار چشم از این دنیای زودگذر بریستیم تا پس از ما، شما انسان ها، چشم بینا به این دنیا باز کنید و فریب خودپرستان کوردل را نخورید.

ما مبارزان میدان حق و باطل، مغزها و دل های خود را آماج نیروهای دژخیمان خود باختۀ قدرت ها و شهوات نمودیم. تا شما کاروانی بزرگ که از پی ما در حرکتید، عقل و دل خود را به سوداگران عقول و وجدان های انسان ها نفروشید و به خویشتن و جامعه خود خیانت نوزید.

هرگز فراموش نکنید که ما در تکاپوی جدی بسوی قربانگاه عشق، هیچ ذکری جز الله و هیچ فکری جز مکتب حیات بخش محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و احساسات عالی انسانی نداشتیم، بهمین جهت است اکنون انتظاری از شما، جز این نداریم که به قدرت پرستان فرصت جو بگوئید:

که از امواج خون های ریخته شده ما در دشت ها و کوهساران پله هائی برای تخت قدرت و برده گیری انسان ها نسازید.

ص: 57

1- شهید حسین اسماعیلی

برادران و خواهران بر شماسست ادامه راه شهیدان که با ادامه این راه، اسلام زنده می ماند و دور شوید از خط شیطان که این خط شیطان، باعث انحطاط بشر است.

2- شهید فضل الله محلاتی

بکوشید این امانت بزرگ الهی را خوب نگهداری کنید، بدانید اگر با اخلاص و توکل به خدا آن طور که شایسته است از این انقلاب پاسداری نمائید هر نوع توطئه ای از جانب ابرقدرت های خارجی و مزدوران داخلی بلااثر خواهد بود.

3- شهید حمید باکری

* شهید حمید باکری (1)

دعا کنید خداوند شهادت را نصیب شما کند در غیر این صورت زمانی فرا می رسد که جنگ تمام می شود و رزمندگان امروز سه دسته می شوند:

ص: 58

1- . جانشین فرماندهی لشکر عاشورا.

یک - دسته‌ای به مخالفت با گذشته خود برمی‌خیزند و از گذشته خود پشیمان می‌شوند.

دو - دسته‌ای راه بی‌تفاوتی را برمی‌گزینند و در زندگی مادی غرق می‌شوند و همه چیز را فراموش می‌کنند.

سه - دسته‌ای به گذشته خود وفادار می‌مانند و احساس مسئولیت می‌کنند که از شدت مصائب و غصه‌دق می‌کنند.

پس از خدا بخواهید که با وصال شهادت از عواقب زندگی بعد از جنگ در امان بمانید، چون عاقبت دو دسته اول ختم به خیر نخواهد شد و جزء دسته سوم بودن نیز بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

4- شهید رمضان رضانی

وصیت من به برادران و خواهران این است که پاسدار خون شهیدان باشید و از آرمان اسلام و انقلاب به هر طریق حمایت نمائید اگر خدای ناکرده در اثر مسامحه و سستی این انقلاب شکست بخورد، خیانت به شهیدان و اسلام عزیز است.

5- شهید حمید اللهیاری

حال سخنم با بی‌تفاوتی‌ها به این انقلاب عظیم است. بدانید

که صحبت‌ها تمام شده و بهانه تراشی بکار نمی‌آید؛ جنگ، جنگ حق با باطل است که در زمان‌های مختلف و به صورت‌های متفاوت همیشه در جنگ بوده‌اند.

6- شهید حاج حسین خرازی

* شهید حاج حسین خرازی (1)

از مردم می‌خواهم که پشتیبان ولایت فقیه باشند، آن‌ها که با زندگی‌شان درس‌ایثار، با جهادشان درس مقاومت و با رفتنشان درس عشق به ما آموختند.

7- شهید کریم طاهری

بر روی سنگ قبر من کلمه ناکام را هرگز ننویسید، چرا که برای یک سرباز اسلام، کامی‌بالاتر از شهادت نیست، در روی سنگ قبر من عبارت مرگ بر آمریکا را حک کنید تا هر که می‌خواند خود به خود بگوید: مرگ بر آمریکا.

8- شهید علیرضا موحد دانش

* شهید علیرضا موحد دانش (2)

ص: 60

1- فرمانده لشکر 14 امام حسین.

2- فرمانده لشکر 10 سیدالشهداء.

شهید عزادار نمی خواهد، شهید رهرو می خواهد.

9- شهید کاظم کاظمی

* شهید کاظم کاظمی (1)

اگر می خواهید من آرامش داشته باشم، لحظه ای از دشمن داخلی، منافقین و ملحدین غافل نباشید.

10- حجت الاسلام ردانی پور

* حجت الاسلام ردانی پور (2)

ای ملت تنها با اطاعت از روحانیت متعهد و مسئول که در رأس آن ولایت فقیه می باشد، قادرید راه شهیدان را ادامه دهید.

11- شهید ناصر کاظمی

* شهید ناصر کاظمی (3)

از اختلافات داخلی به خاطر رضای خدا و خون شهدای انقلاب اسلامی بپرهیزید.

12- شهید حاج همت

* شهید حاج همت (4)

ص: 61

1- . معاون اطلاعات سپاه.

2- . فرمانده سپاه سوم صاحب الزمان.

3- . قائم مقام قرارگاه حمزه سیدالشهداء

4- . قائم مقام لشکر 27 محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم)

امروز مسأله ما، مسأله اسلام و حفظ و حراست از حریم قرآن است، همه باید پرچم سرخ عاشورایی حسین را بر دوش کشیم و قداست مکتب، مملکت و ناموسمان را پاسداری کنیم.

من سفارشم به ملت، تداوم بخشیدن به راه شهیدان و استعانت به درگاه خداوند است تا این انقلاب را با انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام) وصل نماید. از طرف من به جوانان بگوئید، چشم شهیدان و تبلور خونشان به شما دوخته شده است، به پا خیزید و اسلام را و خود را دریابید.

13- شهید حمیدرضا بیگیان

به نق نقوها بگوئید آنقدر نگویند انقلاب اسلامی برای ما چه کرده، از آنها پرسید شما برای انقلاب اسلامی چه کرده اید؟ چه کوششی کرده اید که این همه انتظار دارید.

ص: 62

فصل چهارم: حکایتهایی از شهداء

اشاره

ص: 63

1- شهادت سرنوشت امامان است

جنادة بن ابی امیة از دوستان و ارادتمندان حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) در لحظات آخر عمر مبارک آن حضرت به محضرشان شرفیاب گردیده و جملاتی از وی شنیده و نقل کرده که امام (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) این مطلب را با ما، در میان گذاشته که امر امامت را، دوازده نفر امام بدست خواهند گرفت که از فرزندان علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) می باشند. سپس فرمود: نیست از ما کسی - امامی - مگر اینکه یا مسموم می گردد و یا با شمشیر دشمن کشته خواهد گردید. (1)

2- شهادت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

در جنگ احد که یکی از جنگهای بزرگ زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، عده ای از عزیزترین افراد مسلمان از جمله حمزه سیدالشهداء (علیه السلام) عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به شهادت

ص: 65

1- . خط سرخ شهادت، ص 62.

رسیدند، حضرت علی (علیه السلام) که سراسر بدنش مجروح شده بود، در پایان جنگ، از اینکه دوستانش و عمومی عزیزش به شهادت رسیده اند، ناراحت شد که چرا به فیض شهادت نرسیده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از علت ناراحتی و غم علی (علیه السلام) آگاه شد، به او فرمود: بشارت باد بر تو که سرانجام شهید خواهی شد.

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: «بگو بدانم در وقت شهادت چگونه صبر، خواهی کرد؟!»

علی (علیه السلام) عرض کرد: «چنین موردی از موارد صبر نیست. بلکه از موارد بشارت و شکر است.»

یعنی شهادت، نعمت است و برای آن، باید تبریک گفت، نه مصیبت که برای آن تسلیت گفت. [\(1\)](#)

ص: 66

1- . نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه 156 ؛ داستانها و پندها، ج 3 ، ص 162.

3- امام خمینی (رحمه الله علیه) پسر، پدر شهید و رهبر شهداء

آیت الله پسندیده برادر حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) می فرماید: جدّ اعلای ما سید دین علیشاه که از سادات کشمیر بوده است و کلمه شاه به معنی سید و آقا می باشد، گویند جزء شخصیت های روحانی بوده و شهید شده است که علماء و مردم کشمیر این مطلب را می دانند.

= همچنین می فرماید: پدر ما به نام سیدمصطفی در 22 رجب سال 1278 متولد شده، در همین خانه ای که بعداً من و حضرت امام و سایرین متولد شده ایم، آنطوری که از اجازه نامه ها و اوراق و کتاب هایش معلوم است، پدر ما به درجه اجتهاد رسیده و فخرالمجتهدین بودند، آنچه مسلم است پدر ما در سال 1312 تا 1320 ق در خمین بود و نفوذ و قدرت زیادی داشته اند و خدمه و تفنگچی داشته و مشغول اداره امور مردم بوده اند.

در سال 1320 ق عضد السلطان، والی سلطان آباد اراک بود که خمین و خوانسار و نواحی آنها هم جزء حکومت عضدالسلطان بود، پدر ما برای رساندن اخبار و اوضاع و

احوال نابسامان خمین و اطراف، عازم ملاقات با عضدالسلطان می شوند، عده ای سوار و تفنگدار هم همراه ایشان می روند، تا ارادک دو روز راه بود، در راه یک شب می مانند و فردایش که روز جمعه 12 ذیقعده 1320 ق بود به راه خود ادامه می دهند در بین راه می رسند به آب انباری که نزدیک دهی بود، می بینند دو نفر اسب سوار می آیند، وقتی نزدیک شدند معلوم شد آنها جعفر قلی خان و رضا قلی هستند، مشغول گفتگو شدند، در این بین، یکی از آنها فوراً تفنگ میرزا آقا نوکر پدرم را از دوشش بر می دارد، چون غیر از او کسی مسلح نبوده است و بی وقفه به پدر ما حمله می کنند و تیری می زنند که به قلب مبارکش اصابت می کند و فوراً از اسب به زمین می افتد، در اثر گلوله ای که به قلب اصابت می کند، قرآنی که در جیب بغلی شان بود، نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفته و سوراخ می شود. قاتلین پا به فرار می گذارند و در می روند... شهید سیدمصطفی (پدرامام راحل) در حین شهادت چهل و دو سال داشت.

= شهید حاج آقا مصطفی خمینی (رحمه الله علیه) در شهر قم، سال

ص: 68

1309 متولد شد وی نخستین فرزند امام بود و در سال 1356 در عراق به شهادت رسید و در نجف اشرف در ایوان طلای حرم شریف جدهش مولا- امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپرده شد، دورانی طولانی و پرماجرا از قیل و قال مدرسه و بحث و حکمت آموزی در کنار مبارزه و جهاد مستمر علیه ظلم و فساد طی گردید، شهادت این بزرگمرد اسلام، نقطه عطف انقلاب اسلامی و به فرموده امام (رحمه الله علیه) «از الطاف خفیه خداوند بود»، از همین نقطه بود که آذرخش انقلاب، همچون صاعقه ای الهی بر ریشه های پوسیده ستمشاهی زده شد و بنیان سست آن نظام به آتشی الهی ویران کرد... (1)

4- مقام حضرت عباس (علیه السلام) در بهشت

روزی امام سجاد (علیه السلام) به عبیدالله فرزند حضرت عباس (علیه السلام) نگاه کرد، و بی اختیار اشک از چشمانش سرازیر شد،

ص: 69

1- . رك: جلوه‌های حسینی در سیمای خمینی با اندکی تغییر ص 15 الی 18 و 395.

سپس فرمود: هیچ روزی برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) سخت تر از روز جنگ «أحد» نبود که در آن عمویش حضرت حمزه (علیه السلام) به شهادت رسید، و بعد از آن روز، روز جنگ «موته» بود، که عمویش جعفر طیار شهید شد.

سپس فرمود: هیچ روزی همچون روز شهادت امام حسین (علیه السلام) نیست، سی هزار مرد که گمان می بردند از امت اسلام هستند، دور آن حضرت را گرفتند و با ریختن خون او، از خدا طلب تقرب می جستند. آنگاه فرمود: «خدا رحمت کند عمویم عباس (علیه السلام) را که جهاد با نفس کرد و در راه برادر، جانبازی ها نمود، تا آنکه دو دستش را قطع کردند، خداوند عوض آن دو دست، دو بال در بهشت به او عنایت می فرماید، که با فرشتگان به پرواز در می آید، همان گونه که به جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)، این موهبت الهی عطا شده است، ولی برای عمویم عباس (علیه السلام) در نزد خدا مقامی است که در روز

قیامت تمام شهیدان از آن مقام ارجمند، حسرت می برند. (1)

5- شهادت 43 پیامبر در راه نهی از منکر

شخصی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسید: عذاب چه کسی در روز قیامت از همه سخت تر است؟ فرمود: کسی که پیامبر و یا مردی که امر به معروف می کند را به قتل برساند، سپس فرمود:

بنی اسرائیل در آغاز روز در یک ساعت چهل و سه پیامبر را کشتند، صد و دوازده نفر از بندگان صالح بنی اسرائیل به دفاع از پیامبران برخاستند و امر به معروف و نهی از منکر نمودند، در ساعت آخر همان روز بنی اسرائیل، همه آن 112 نفر را کشتند و آیه 21 سوره آل عمران به همین مطلب اشاره می کند: «آنان که به آیات خدا، کافر می شوند و پیامبران را بنا حق می کشند و نیز آنان را که امر به قسط و عدالت می نمایند

ص: 71

1- . داستانها و پندها، ج 4، ص 175؛ تنقیح المقال، ج 2، ص 128؛ بحار الانوار، ج 6، ص 732.

می کشند، قاتلان را به عذاب دردناک بشارت بده.»(1)

6- راضیم به رضای او

جمعی از خلبانان به خانه خلبانی رفته و به همسرش گفتند: متأسفانه شوهر شما از مأموریت برنگشته، حالا نمی دانیم اسیر شده یا شهید. خانم قهرمان گفته بود: اگر عمر داشته باشد هر کجا باشد خدا حفظش می کند و اگر عمرش سرآمده باشد، در آسمان باشد یا زمین، خداوند جانش را می گیرد. خلبانان که با دلهره و نگرانی رفته بودند، از برخورد این زن روحیه گرفتند.(2)

7- اطاعت از ولی امر

شهید محراب آیت الله صدوقی از جبهه برگشته بود، بسیار

ص: 72

-
- 1- . تفسیر صافی، ج 1، ص 251؛ داستانها و پندها، ج 5، ص 139.
 - 2- . خاطرات (2)، ص 70؛ به نقل از حجة الاسلام والمسلمین محسن قرائتی.

مریض حال، وارد منزل پسرش در تهران شد و گفت تصمیم دارم 15 روز استراحت کنم.

فردای آن روز در جماران خدمت امام (رحمه الله علیه) رسیده امام پرسید: شما کی به یزد برمی گردید. ایشان گفت: امروز، فردا. در حیاط منزل امام، فرزندش می گوید: پدر جان! شما گفتید 15 روز می مانم! فرمود: بنا داشتیم 15 روز بمانم، اما از سؤال امام فهمیدم که می گوید برگرد یزد، لذا اطاعت از ولی امر می کنم. (1)

8- یادى از شهید شیخ فضل الله نوری (رحمه الله علیه)

شهید بزرگ آیت الله شیخ فضل الله نوری در سال 1258 ق متولد شد، در ابتدای جوانی عازم نجف اشرف برای تحصیل علوم دینی گردید و پس از مدتی از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی گردید.

شیخ فضل الله در مجلس درس میرزای شیرازی به مقام

ص: 73

1- . همان، ص 77.

اجتهاد نائل آمد، و درس سلحشوری و دفاع از حریم اسلام را از استاد بزرگ خود میرزای شیرازی آموخت و در سال 1300 ق به تهران بازگشت، و در تهران از علمای برجسته به شمار می‌آمد و محبوبیت خاصی بین مردم داشت ...

در 14 مرداد 1285 فرمان مشروطیت بدست مظفرالدین شاه امضاء شد. علمای برجسته ای برای نابودی استبداد، و دادن سرنوشت مملکت به دست مردم، تلاش خستگی ناپذیر کردند، از جمله آنها شخص شیخ فضل الله نوری بود که در تحقق انقلاب مشروطیت و تدوین متمم قانون اساسی، نقش فعال داشت و از بنیان مشروطیت به حساب می‌آمد، ولی او مشروطه را در صورتی که مشروع باشد یعنی قوانینش موافق اسلام باشد می‌خواست. اما پس از روی کار آمدن مشروطیت، مرحوم شیخ فضل الله نوری دید، عده ای غرب زده که اصلاً تعهد اسلامی ندارند، گرداننده مشروطیت شده اند، و بجای قوانین اسلامی، می‌خواهند قوانین اروپا را وارد قانون اساسی کنند، از این رو با مشروطیت مخالفت کرد، و همین مخالفت باعث شد که او را در میدان توپخانه تهران

ص: 74

به دار کشیدند و به شهادت رسانند، و بعدها مردم فهمیدند که شیخ فضل الله طرفدار استبداد و مخالف آزادی ملی نبود، و حق با آن شهید بزرگوار بود، چرا که می دیدند مجلس شورای ملی را، همان فتودالها و مستبدان قبل از مشروطیت و فرنگی مآب ها پر کرده اند. گفتنی ها در این باره بسیار است تنها به این فراز توجه کنید:

مرحوم شیخ فضل الله در خطر گزند دشمنان قرار گرفت، نزدیکان به او پیشنهاد کردند که مخفیانه به عتبات (نجف اشرف یا کربلا یا سامراء) برود. او در پاسخ آنها گفت: «اینکه نشد، اگر من پایم را از این خانه بیرون بگذارم، اسلام رسوا خواهد شد، تازه مگر می گذارند؟» به او پیشنهاد کردند به سفارت روس یا انگلیس پناهنده شوید. او لبخندی زد و به یکی از حاضران که شیخ خیرالله نام داشت گفت؛ برو بین زیر منبر چیست؟ او رفت از زیر منبر یک بقچه قلمکار آورد، آن را باز کرد، حاضران دیدند که یک پرچم خارجی است.

شیخ فضل الله فرمود: «حالا دیدید این را فرستاده اند که من بالای خانه ام بزنم و در امان باشم، اما آیا رواست که من پس

از هفتاد سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده ام، حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر!» او در خانه خود منتظر ماند، تا اینکه دژخیمان مظفرالدین شاه، به خانه او آمدند و او را دستگیر کرده و به دادگاه بردند، خیلی سریع محاکمه فرمایشی نموده و او را محکوم به اعدام کردند.

هنگامی که او را به پای چوبه دار بردند، پیش از چند لحظه ای که با شهادتش فاصله نمانده بود، پای چوبه دار ایستاد و گفت: «... خدایا تو خودت شاهد باش که من برای این مردم به قرآن قسم یاد کردم، گفتند: قوطی سیگارش بود، در این دم آخر باز به این مردم می گویم که مؤسسین این اساس مشروطیت، همه از لامذهبا هستند که مردم را فریب داده اند ... این اساس مخالف اسلام است».

او را که با غرب زدگی مخالف و حامی قاطع اسلام بود به جرم مخالفت با مشروطیت به دار آویزان کردند، در حالی که بیش از هفتاد سال داشت و از مجتهدین براننده بود بعلاوه در آن وقت، بیمار بود. پیکر مقدّس را از چوبه دار پائین آوردند، آن چنان مردم را بر ضد او تحریک نموده بودند که

ص: 76

عده ای به جنازه آن مجاهد بزرگ هجوم آورده و با لگد و قنطاق تفنگ به سر و صورتش زدند، که خونابه از دهان و بینی اش روی محاسن سفیدش سرازیر شد، به دستور شهربانی روز، مقرر شد که جنازه او را دور از چشم مردم دفن کنند، اما بستگان او با ایجاد صحنه های ساختگی، جسد را نگه داشته و نعشی صوری را دفن کردند، و بعد پیکر او مخفیانه به قم آورده در قسمت شمال شرقی صحن بزرگ در جوار حضرت معصومه (سلام الله علیها) دفن کردند که امروز، معروف است و مزار شیفتگان حق، و روشن دلان وارسته می باشد. (1)

9- خلبان شیر

خلبان شهید دوران، بیش از 105 عملیات برون مرزی داشت. زمانی که صدام با ادعای اینکه بغداد امن است و هواپیمایی نمی تواند بر فراز بغداد پرواز کند، اصرار به برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها در بغداد داشت. شهید دوران

ص: 77

تصمیم گرفت که دماغ صدام را به خاک بمالد. چون صدام که میزبان کنفرانس بود، خیلی تبلیغات می کرد و ایران را می کوبید. در حالی که هوا مه آلود بود، شهید خلبان به سوی عراق پرواز کرد. در دومین حمله خود به سوی بغداد، هواپیمایش مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهید شد و همین داستان سبب ناامنی بغداد و عوض شدن محل کنفرانس شد. (1)

10- صرفه جویی در موشک

شهید شیرودی موقع حمله به تانک های دشمن، خیلی نزدیک آنان می شد به او گفتند: ممکن است خودت مورد هدف قرار بگیری! گفت موشک کم داریم، محاصره اقتصادی هستیم و از خارج هم که نمی آید؛ پس باید سعی کنیم، موشک را به جا بزنیم، می ترسم از دور بزنم به هدف

ص: 78

1- . خاطرات (2) ، ص 105.

11- شهادت عجیب آیت الله مدرس (رحمه الله علیه)

مدرّس را بخاطر قاطعیت و صراحت لهجه و حق گوئی، سرانجام بدستور رضاخان و اربابانش نخست او را در زندان شهر خواف مرز خراسان و افغانستان، و سپس در زندان کاشمر، زندانی کردند.

هوا کم کم تاریک می شد، مردم شهر کاشمر بی خبر از حادثه هولناکی که در شهر آنان در حال وقوع بود به خانه های خود می رفتند، (روز 10 آذرماه 1327 ش، 27 رمضان 1356 ق) بود و مردم سعی داشتند که هنگام اذن در خانه باشند و افطار کنند. در این هنگام سه دژخیم رضاخانی بنام های 1- جهانسوزی-2- خلیج-3- مستوفیان، به گورستان شهر نزدیک می شدند، آنها به گورستان کاری نداشتند، آنها می خواستند به خانه ای نزدیک مرده شورخانه بروند، همان خانه

ص: 79

ای که مدرّس در آن زندانی بود، مدرس ده سال تمام در شهر خواف زندانی بود و به تازگی او را به کاشمر آورده بودند. وقتی به خانه رسیدند، مدرس مشغول روشن کردن سماور برای افطار بود، جهانسوزی با روشی مؤدبانه پرسید: حالت چطور است؟ مدرس جواب داد: «خوبم شما چطور؟» جهانسوزی که لباس سرهنگی بر تن داشت، جواب داد: ما هم خوبیم و بعد ناگهان بدون مقدمه پرسید: افطار نمی کنید؟

مدرس جواب داد: «چرا، ولی قبلاً باید به شما که امروز مهمان هستید چای بدهم.»

حبيب الله خلیج با خشم گفت: «بسیار خوب، اما بهتر است خود زودتر چائی بخوری، چرا افطار نمی کنی؟» مدرس سر برداشت و به چهره خلیج که مردم او را «شمر میرغضب» می گفتند نگریست و با دیدن چشمان سرخ خلیج، همه چیز را فهمید و در دل گفت: «برای کشتن من آمده اند.»

جهانسوزی بار دیگر پرسید: افطار نمی کنید؟ مدرس گفت: چرا، اما بهتر است بنیم که آیا وقت افطار شده است یا نه.

مستوفیان با نگاه تند به او گفت: می توانید تحقیق کنید.

مدرس برخواست و از اطاق بیرون رفت و نگاهی به آسمان انداخت و زیر لب دعا خواند و بعد برگشت، و چای در قوری و آب جوش سماور را در آن کرد و روی سماور گذاشت. خلیج باز با تندی گفت: چرا معطلی؟ چرا افطار نمی‌کنی؟

مدرس گفت: می‌دانم چه می‌گوئید، ولی بگذارید نمازم را بخوانم، او با وقار همیشگی به نماز ایستاد، خلیج پس از نماز، بدون اجازه از جا برخاست و برای مدرس، چائی ریخت و در آن هنگام سَمّی را که با خود آورده بود در چای ریخت و جلو مدرس گذاشت و با خشونت گفت: افطار کن.

مدرس چای را خورد، آدم کش‌ها در انتظار بودند که مدرس برای خود غذا بیاورد و بخورد، اما دیدند که بار دگر روبه قبله نشست و به خواندن دعا پرداخت. خلیج زیر لب گفت: باز هم می‌خواهد دعا بخواند. مستوفیان اشاره کرد چند دقیقه صبر کن. هنوز مدرس زنده بود، جهانسوزی اشاره به خلیج کرد که نباید وقت تلف شود، خلیج با سرعت به سوی مدرس رفت و عمامه او را گرفت و به گردنش پیچید، به

مستوفیان و جهانسوزی گفت: پای او را بگیرید، سپس بی شرمانه دو سوی عمامه را همچنان می کشید تا چهرهٔ مدرس به کبودی گرائید و در حالی که می گفت: «اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن علیاً ولی الله» به شهادت رسید. پس از شهادتش، آدم کشان، جیب او را گشتند و تمام سرمایه او بیش از 30 ریال نبود، جنازه اش را در نقطه نامعلوم دفن کردند و مردم بعد از چند سال توسط افرادی از اهل محل، محل دفن او را پیدا کردند و امروز در شهر کاشمر مزار مسلمانان است. (1)

12- خواب پدر شهید

آیت الله محمدی گیلانی می گوید: (2) برای یکی از شهدای والفجر 8 در جنگ ایران و عراق مجلس بزرگداشتی در قم تشکیل شد، پدر شهید مقداری برای حاضران صحبت کرد.

ص: 82

1- . داستانها و پندها، ج 3، ص 70.

2- . روز جمعه 15/1/65 قبل از خطبه‌های نماز جمعه.

در ضمنِ صحبت، در حالی که اشک می ریخت گفت: پسر مکرر از من اجازه می خواست که به جبهه بروم، ولی من اجازه نمی دادم، تا اینکه یک شب در خواب دیدم به کربلا رفته ام، آقا امام حسین (علیه السلام) را دیدم، ولی آنحضرت روی مبارکش را از من برگرداند، عرض کردم: «آقا! بنده از شیعیان شیفته شما هستم، چرا روی خود را به من نشان نمی دهی؟»

فرمود: «چرا به پسر اجازه نمی دهی به جبهه بروی؟!» عرض کردم: چشم اجازه می دهم، یکدست لباس به من داد و فرمود:

«این لباس علی اکبر من است، آن را به بدن پسرت بپوشان و او را به جبهه بفرست. پسر تو مثل من شهید می شود!»

وقتی از خواب بیدار شدم، پسر را خواستم و جریان را بیان کردم و گفتم: «پسرم حالا دیگر اجازه دادم، برو به جبهه!»

او به جبهه رفت و به شهادت رسید و سرش از بدنش جدا شد، آنگاه فهمیدم که امام حسین (علیه السلام) در خواب به من فرمود: «پسرت مثل من شهید می شود» یعنی سرش را از بدنش

جدا می کنند، چنانکه سر پسر را جدا کردند، خوشا به سعادتش! (1)

13- آرزوی شهادت

حجة الاسلام محسن قرائتی می گوید: خدا رحمت کند شهید محراب آیت الله مدنی را، افتخار داشتم در سفری که کاروانی پیاده از نجف به کربلا می رفت در خدمت ایشان باشم.

کفش ها را از پای بیرون آورده با پای برهنه می آمد و می فرمود: می خواهم پاهایم در راه کربلا آسیب ببیند. ایشان می فرمود: سه آرزو داشته ام که به دو آرزو رسیده ام. اما نمی دانم به آرزوی سوم هم خواهم رسید یا نه، گفتم آرزوی سوم شما چیست؟ فرمود: از خدا خواسته ام که شهید شوم. (2)

ص: 84

1- . داستانها و پندها، ج 10، ص 44.

2- . خاطرات (2)، ص 64.

14- فرازی از وصیت یک شهید

یکی از شهیدان مخلص ایران در جنگ تحمیلی ایران و عراق در قسمتی از وصیتش چنین می نگارد:

دو هزار تومان از مالم را به صندوق سپاه پاسداران بدهید، بخاطر اینکه شاید از کاغذها و قلم اداره سپاه احیاناً، بدون مجوز استفاده کرده باشم. دو فرش دارم، یکی از آنها را به مسجد بدهید در مسجد بیندازند. و فرش دیگر در خانه باشد تا بچه های محله بیایند و روی آن فرش، مراسم مذهبی خود را اجرا کنند!

... ای عصای دست من! ای کودک، پس از من کوله بار پر از گلوله ام را بگیر و راهم را تا محو کامل استکبار ادامه بده. (1)

15- خاطره ای از مادر یک شهید

در جریان جنگ تحمیلی عراق بر ایران، خاطرات بسیار

ص: 85

1- . داستانها و پندها، ج 10، ص 139.

عجیب و سازنده ای از مادران شهیدان عزیزمان داریم، در اینجا به یک نمونه اشاره می‌کنیم: من مادر شهید علی آقا هستم، خبر شهادت فرزندم را پس از مقدماتی به من دادند، وقتی فهمیدند روحیه ام خوب است، به من گفتند خبر شهادت پسر را به پدرش بدهم، من هم پذیرفتم، پسر در عملیات بدر در جبهه جُفیر به شهادت رسید.

دوستان هم‌زمش آمدند مرا ببرند سردخانه، تا جنازه پسر را بنگرم، با آنها رفتیم به طرف سردخانه، وقتی به آنجا رسیدیم، یکی از دوستان پسر شهید گفت: چون شهید علی آقا همیشه با وضو بود، وضو بگیریم و وارد سردخانه شویم، همگی وضو گرفتیم و وارد سردخانه شدیم، در ناحیه چپ، عکس حضرت امام خمینی (ره) را دیدم ناگهان احساس کردم چندان برابر محبت قلبی قبلم به امام، در همان لحظه بر قلبم وارد شد، گوئی نوری عظیم بر دلم تابید.

از آنجا گذشتیم، وقتی جنازه بخون طپیده پسر را دیدم گفتم: ماشاءالله (که عزیز من به افتخار شهادت نائل شد و بر

سکوی پر افتخار شهادت قرار گرفت.)

پیشانی‌اش را بوسیدم، بعد لبها و بعد چشمهایش را بوسیدم، سپس سینه و دستهایش را بوسه زدم و در آخر دست به قدمهایش کشیدم.

پیشانی‌اش را بوسیدم، چون برای خدا سجده کرده بود.

چشمهایش را بوسیدم چون او وقتی روحانیون و سادات را می‌دید، خوشحال می‌شد، آنها را بسیار دوست می‌داشت.

لب‌هایش را بوسیدم و گفتم: علی جان تو ذکر خدا بسیار می‌گفتی و با این لب‌ها از امام حسین (علیه السلام) بسیار یاد می‌کردی.

سینه‌اش را بوسیدم، زیرا آیات قرآن و حدیث چهارده معصوم (علیهم السلام) در سینه‌اش بود و گاهی می‌خواند، وانگهی نزدیک سینه‌اش هدف تیر دشمن قرار گرفته بود و از همین ناحیه به شهادت رسیده بود.

دستش را بوسیدم، زیرا با آن دست‌هایش اسلحه برمی‌داشت.

بر قدم‌هایش دست کشیدم که با آن قدم‌ها به جنگ

ص: 87

16- الهام شهادت

آیت الله اشرفی اصفهانی (رحمه الله علیه)، این پیرمرد نود ساله و عالم وارسته که عمری نماز شبش ترک نشده بود می گفت: می بینم که من چهارمین شهید محراب باشم (1).

آری خداوند درهای غیب را به رویش گشوده بود. (2)

17- شهید آیت الله سعیدی (رحمه الله علیه)

روزی این شهید بزرگوار بدون عبا از مسجد برگشت؛ گفتند آقا عبایت کو؟ گفت:

ص: 88

1- . خاطرات (2)، ص 112.

2- . شهدای محراب عبارتند از: آیت الله صدوقی، آیت الله مدنی، آیت الله دستغیب و چهارمین آنان آیت الله اشرفی است که بدست منافقین به شهادت رسیده اند. زندگینامه آن شهید در کتاب فضائل و برکات نماز جمعه و جماعت اثر نویسنده آمده است.

دیدم کنار خیابان بینوایی می لرزد با خود گفتم: اگر در قیامت از تو پرسند که شخصی از سرما می لرزید و تو، هم قبا داشتی و هم عبا؛ چه جوابی می دهی؟ لذا عبایم را به او دادم. (1)

18- شهیده بنت الهدی

او بانویی بزرگوار و عالمه‌ای گرانقدر و نویسنده‌ای ماهر و زبردست بود که از سرچشمه علوم قرآن کریم بطورشایسته بهره مند شده و از برادر متفکر و اندیشمندش شهید آیت الله صدر (رحمه الله علیه) استفاده‌های معنوی بسیار کرده بود و عمر با برکت 43 ساله خود را در خدمت به اسلام و مبارزه با رژیم‌های طاغوتی گذرانید و در افشاگری جنایت‌های حکومت بعث کافر عراق سعی و تلاش فراوانی کرد.

آن شهیده‌والامقام پس از آنکه برادرش را در روز 21 جمادی الاولی 1400 ق دستگیر کردند، به سوی حرم مطهر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رهسپار گردید و خطابه‌ای پرشور

ص: 89

1- . همان مدرک، ص 117.

ایراد کرده، مردم را به حرکت و خروش فراخواند و بر اثر سخنرانی آتشین او تظاهراتی براه افتاد که در آن تظاهرات عده ای شهید و گروهی دستگیر و بازداشت شدند و این بود که در دومین روز دستگیری آیت الله صدر، مزدوران کافر بعثی به خانه ایشان هجوم آورده و بنت الهدی را نیز دستگیر کرده و به شکنجه گاه بغداد بردند و پس از چند روز، او را در روز 24 جمادی الاولی به شهادت رسانیدند و جنازه پاک آن بانوی بزرگوار را که در زیر شکنجه های جانیان آدم کش جان داده و به فوز شهادت نائل گردیده بود، همراه با بدن مقدس و شکنجه دیده آیت الله صدر به نجف آورده، بصورت مخفیانه و وحشت انگیز تحویل فرزند آیت الله صدر دادند.

19- آیت الله خزعلی کنار جنازه فرزندش

آیت الله خزعلی که در علم و اخلاق و تقوی و فقاهت کم نظیر است، وقتی جنازه شهید 18 ساله اش را تشییع می کرد طی سخنان هیجان آور گفت:

ای پسرم به خدا سوگند! اگر امشب، شب عروسی تو بود،

ص: 90

آنقدر خوشحال نمی‌شدم که در شب شهادت تو خوشحالم.

فرزندم من هیجده سال تو را تربیت کردم و به تو درس‌دادم، ولی تو در یک لحظه آنچنان درسی به من دادی که از همه آن هیجده سال مهمتر بود، درس شهادت. (1)

20- سید شهیدان اهل قلم

بیستم فروردین سال 1372 ش یادآور عروج هنرمند فرزانه حاج سیدمرتضی آوینی می باشد، وی که همراه یک گروه فیلم بردار جهت ساخت مجموعه جدیدی از روایت فتح به یکی از مناطق عملیاتی عزیمت کرده بود، در حین بررسی منطقه و تحقیق پیرامون هشت سال دفاع مقدس به همراه مهندس محمد سعید یزدان پرست با مین برخورد کرد و به شهادت رسید.

شهید آوینی دو روز قبل از عزیمت به منطقه فکه، در پاسخ به این سؤال که به کدام منطقه می روید، گفته بود: «می دانی به

ص: 91

1- . دین ما علمای ما، ص 91.

کجا می روم، به فکه، همان جایی که رزمندگان ما با چشم خود، تحویل نفوس شهداء توسط فرشتگان را مشاهده می کردند. (1)

21- شهید نواب صفوی (رحمه الله علیه)

یکی از خصائص شهید بزرگوار سیدمجتبی نواب صفوی این بود که به هنگام نماز، هرکجا بود اذان می گفت و به یاران و طرفدارانش هم سفارش کرده بود، وقت نماز هرکجا بودید با صدای بلند اذان بگوئید. (2)

ص: 92

1- . روزها و رویدادها، ص 50.

2- . خاطرات (2) ص 92. شهید سیدمجتبی نواب صفوی در سال 1303 ش در خانواده‌ای روحانی، در تهران قدم به عرصه وجود گذاشت در اواخر سال 1320 ش؛ پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه رهسپار حوزه نجف شد و در سال 1334 ش، نواب که رهبر جمعیت فدائیان اسلام بود با جمعی دیگر از یارانش دستگیر شدند و در یک محاکمه فرمایشی، محکوم به اعدام و همگی در حالی که اذان می گفتند، تیر باران شدند.

شهید محمد حسین فهمیده اصالتاً قمی بوده و خانواده اش در محله «آذر» قم سکونت داشتند که بعد در کرج ساکن شده بودند، وی سیزده سال سن داشت و تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده بود و همیشه از شاگردان ممتاز کلاس بود. او آن چنان با پیش آمدن جنگ تحمیلی هیجان زده شده که تحصیل را رها کرد و به جبهه جنگ رفت و در جریان هول انگیز اشغال خرمشهر توسط مزدوران بعثی، چند نارنجک به کمر بست و خود را به زیر تانک دشمن انداخت و آنرا منهدم ساخت و با انفجار و انهدام تانک، تعدادی از دشمنان اسلام را به هلاکت رسانید.

امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره ایشان می فرماید:

رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با قلب کوچک

خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ تر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید. (1)

23- شادی دشمن

دی ماه سال 1356 بود. فرزند یکی از مدرسین حوزه قم از جمله شهدای 19 دی بود که جنازه شهیدش را به بهشت زهرا آوردند، در حالی که پدرش تحت تعقیب مأموران رژیم شاه بود. پدر، خودش را به بالین پیکر فرزند که دانشجوی سال اول بود، رسانده، ولی هیچ گریه نکرد و گفت خدایا راضی هستم.

بعد از چند روز حضرت امام (رحمه الله علیه) از نجف برای ایشان نامه نوشت که خوشحال شدم که گریه نکردی، چون اگر گریه می کردی، دشمن شاد می شد.

آن روز فهمیدم که چرا حضرت امام (رحمه الله علیه) در فراق

ص: 94

فرزندش سید مصطفی گریه نکرد.

آن مرد بزرگ می خواست بفرماید که اگر من گریه کنم، دشمن شاد می شود. (1)

24- امام حسین (علیه السلام) در انتظار شهداء

عملیات والفجر بود که برای دیدن رزمندگان به جبهه رفته بودم. صحبت گردان شهادت شد. گفتند: برای شکستن خط، 250 نفر داوطلب شهادت لازم داریم، انبوهی از جمعیت هجوم آورده و بر سر انتخاب افراد دعوا شده بود تا اینکه با قرعه 250 نفر را انتخاب کردند.

شب قبل یکی از رزمندگان در عالم خواب می بیند که امام حسین (علیه السلام) حرم را جارو می کند. می گوید دویدم جارو را بگیرم. حضرت فرمود: نه، یاران با وفای من دارند می آیند،

ص: 95

1- . خاطرات (2) ص 124 به نقل از حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی.

می خواهیم خودم حرم را برای زائرانم جارو کنم. (1)

25- مسیح کردستان

* مسیح کردستان (2)

همسر سردار شهید اسلام محمد بروجردی می گوید:

محمد در عرض ده سال زندگی مشترکمان طوری بود که همیشه نمازش را در اول وقت اقامه می کرد، در طول مسافرت هایی که با محمد داشتیم، هرگاه در راه صدای اذان به گوشش می رسید، هر کجا بود، ماشین را پارک می کرد و همان جا نمازش را بجا می آورد اگرچه به مقصدی که مورد نظرش بود، دور یا نزدیک بود.

بارها به ایشان گفتم حالا که نزدیک مقصد است، نمازتان

ص: 96

1- . همان مدرک ، ص 128.

2- . سردار شهید اسلام محمد بروجردی (1333-1362 ه.ش) بعد از سال ها تلاش و جهاد، عاقبت در مسیر جاده مهاباد - ننده به همراه عده ای دیگر از همزمانش به آرزوی دیرینه اش نائل و به خیل شهدای اسلام پیوست.

را شکسته نخوانید، بگذارید وقتی به منزل رسیدیم نمازتان را کامل بخوانید.

محمد در جواب می گفت: حالا- که موقع اذان است، نماز می خوانیم، شاید به منزل نرسیدیم. اگر رسیدیم دوباره کامل می خوانم. و در تمام این مدت هیچگاه یاد ندارم که او بدون وضو باشد. (1)

26- آه سرد شهید محرم

شب قبل از عملیات محرم، برادر مهدی سامع تا بعد از نیمه شب به شناسائی رفته بود و دیر وقت خسته و کوفته برگشته و به خواب رفت. بچه ها که برای نماز شب بیدار شده بودند او را بیدار نکردند. چون خسته بود و شب بعد هم باید در عملیات شرکت می کرد.

ص: 97

1- . نماز خوبان ص 62 ، داستان 48 ، به نقل از اسوه یادواره سردار سپاه ، ص 17.

صبح که برای نماز بیدار شد گفت: مگر سفارش نکرده بودم، مرا برای نماز شب بیدار کنید؟

آه سردی کشید و گفت: افسوس! شب آخر عمرم نماز شب ام قضا شد!

فردا شب! عملیات آغاز شد و در حین عملیات، مهدی به خیل عظیم شهداء اسلام پیوست. (1)

27- شب آشتی با خدا

یکی از برادران سرباز که از خانواده‌ای غیر مذهبی بود و نماز نمی خواند در عملیات والفجر 8 به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

همه تعجب کرده بودیم که چرا او شهید شد، اما وقتی به سراغ یادداشت هایش رفتیم، چیزهایی نوشته بود که خیلی تکان دهنده بود. از جمله نوشته بود.

ص: 98

1- . نماز خوبان ص 164، داستان، 138 به نقل از زخم شقایق ص 5.

«قبل از عملیات، یک شب از رزم شبانه برگشتیم، چون آن شب خیلی خسته بودم دراز کشیدم تا بخوابم. اما بقیه رزمندگان ها به نماز خواندن مشغول شدند در آن لحظه، نسبت به آنها احساس کمبود کردم و با این که آنها دوستانم بودند، حس کردم خیلی با آنها فاصله دارم. ناگهان به گریه افتادم.»

در همان لحظه با خدای خود عهد کردم همیشه به یاد او باشم و نماز بخوانم. بلافاصله وضو گرفتم و در کنار یکی از برادرانی که خیلی دوستش داشتم، مشغول نماز خواندن شدم.

من آن شب را هیچ وقت فراموش نمی کنم. شب آشتی با خدای خودم بود.»

پس از شهادت آن رزمندگان عزیز خانواده آن هم تغییر عقیده دادند و نماز خوان شدند.⁽¹⁾

ص: 99

1- . نماز خوبان ص 179، داستان 146، به نقل از جانماز معطر، ص 20.

1. قرآن کریم ... کلام خدا
2. نهج البلاغه ... صبحی صالح
3. ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی ... مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
4. بحار الانوار ... محمد باقر مجلسی
5. تفسیر روان جاوید ... آیت الله ثقفی تهرانی
6. تفسیر صافی ... ملا محسن فیض کاشانی
7. تفسیر مجمع البیان ... ترجمه دکتر ابراهیم میرباقری
8. تفسیر نمونه ... آیت الله مکارم شیرازی
9. تفسیر نور ... محسن قرائتی
10. تفسیر المیزان ... علامه طباطبائی
11. تفسیر جوامع الجامع ... مترجم امیری شادمهری
12. تنقیح المقال عبدالله مامقانی
13. تهذیب ... شیخ طوسی
14. جلوه های حسینی در سیمای خمینی. نعمت الله حسینی

15. خاطرات ... از زبان محسن قرائتی
16. خط سرخ شهادت ... علی کریمی جهرمی
17. داستانها و پندها ... محمّدی اشتهاردی
18. دین ما علمای ما ... تاج لنگرودی
19. روزها و رویدادها ... مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت
20. صحیفه الامام الرضاللة ... مؤسسه امام مهدی (علیه السلام) قم
21. صحیفه نور ... مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
22. عدد السنّة ... حاج ملا اسماعیل سبزواری
23. فروع کافی ... محمّد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی
24. القاموس المحيط ... فیروزآبادی
25. كحل البصر ... شیخ عبّاس قمی
26. مجمع الاحادیث ... محمّد باقر آخوندی
27. مستدرک الوسائل ... حسین نوری طبرسی

28. مقتل العوام ... ملاعبدالله بن نورالله

29. نماز خوبان ... على احمدپور تركمانى

30. وسايل الشيعه ... شيخ حرّ عاملى

ص: 103

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

